

فرض بر این است که، تعارض سیاست خارجی دو کشور در این بحران نتیجه قربانت ترکیه عضو ناتو با جمهوری آذربایجان و مشکل تاریخی آن با ارمنستان از یک طرف و در مقابل، پیوند نزدیک روسیه با ارمنستان و نارضایتی آن از غربگرایی آذربایجان از طرف دیگر، در فدراسیون روسیه تاثیر می‌گذارد. برخی از این کنار تردید نسبت به ترکیه عضو ناتو و منافع و رویکردهای متفاوت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در چنین شرایطی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران روابط آذربایجان و ارمنستان به ویژه در مورد مناقشه قره باغ تحت تأثیر عوامل متعددی بوده است. این موارد بر تضاد با همگرایی سیاست‌های دو کشور ترکیه و فدراسیون روسیه تاثیر می‌گذارد. برخی از این موارد به شرح زیر است:

۱) ثبات منطقه‌ای؛ جمهوری اسلامی ایران

# تعارضات بازیگران در منازعه آذربایجان و ارمنستان در قفقاز

پسوسته بر نیاز به ثبات منطقه تأکید کرده و خواستار حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره باغ کوهستانی از طریق گفت‌وگو و مذاکره شده است.

۲) روابط خوب با هر دو جمهوری؛ جمهوری اسلامی ایران به دنبال حفظ روابط خوب با ارمنستان و آذربایجان بوده و از حق حاکمیت ارضی آذربایجان حمایت، اما ازجانبداری در مناقشه اجتناب کرده است.

۳) نگرانی از دخالت خارجی؛ ایران نسبت به دخالت بازیگران منطقه‌ای مانند کشورهای غربی در مناقشه ابراز نگرانی کرده و بر لزوم حل مشکلات کشورهای منطقه بدون دخالت خارجی تأکید نموده است.

۴) منافع اقتصادی؛ ایران دارای منافع اقتصادی در منطقه بوده و به دنبال گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی با ارمنستان و آذربایجان می‌باشد.

۵) نگرانی در مورد اثرات سرریز؛ ایران از اثرات سرریز احتمالی درگیری مانند جریان

در عهدنامه گلستان در سال ۱۸۱۳میلادی برابر با ۱۱۹۲(ه.ش)، از ایران در حاکمیت نظام سیاسی قاجار به روسیه تزاری واگذار شد.

در چارچوب کریدورهای ژئوپلیتیکی، نظم نوظهور، به پویایی و روابط قدرت در حال تحول اشاره دارد که با توسعه و بهره‌برداری از این مسیرهای استراتژیک شکل می‌گیرد. ظهور کریدورهای جدید، یا اختلال در راهروهای موجود می‌تواند پیامدهای مهمی برای تجارت جهانی، حمل‌ونقل و ارتباطات، و همچنین برای چشم‌انداز ژئوپلیتیکی به‌طور گسترده داشته باشد.

روسیه تلاش می‌کند در منطقه قفقاز جنوبی مداوم قدرت و برتری خود را برای حفظ منافعش اعمال نماید. محتمل است روسیه

مزایای بالقوه‌ای از کریدور زنگزور ببیند، زیرا می‌تواند یک مسیر حمل‌ونقل جایگزین برای کالاها و منابع روسیه، به‌ویژه در مواجهه با تحریم‌های غرب ایجاد کند. علاوه‌بر این، روسیه در مذاکرات و توافقات پیرامون کریدور شرکت داشته است و ممکن است به دنبال حفظ

## سیاسی Siyasi @kayhan.ir

اشاره:فهم رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی روابط بین‌الملل است، واقع‌گرایی چارچوبی را برای تحلیل بحران قره باغ کوهستانی و روابط جمهوری‌های ارمنستان آذربایجان با تمرکز بر پویایی قدرت، منافع ملی، اقدامات خودیاری و ماهیت آتارشیک نظام بین‌الملل فراهم می‌کند. این دیدگاه بر جنبه‌های رقابتی روابط بین دولتی و چالش‌های تضمین امنیت در محیطی که با عدم قطعیت و درگیری مشخص می‌شود، تأکید می‌نماید. در این پیوند دولت‌ها دانما در پی به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود هستند. همگرایی در این زمینه ممکن است به عنوان توازن قوا در نظر گرفته شود، جایی که بازیگران استراتژی‌های خود را برای حفظ ثبات و جلوگیری از تسلط هریک از دولت‌ها تنظیم می‌کنند، منافع ملی نکته حائز اهمیت دیگری است که از منظر رئالیسم مورد نظر واقع می‌شود و بر پایه آن کنشگران منافع خود را در عرصه بین‌المللی نیز دنبال می‌نمایند.

# باقر عبدالرضایی – کارشناس مسائل بین‌الملل |

**نقش ترکیه در تسادوم بحران قره‌باغ مبتنی بر منافع و سیاست‌های خود می‌باشد،گفتن بعضی موارد به طور قطعی دشوار است، زیرا موضوع کریدور زنگزور موضوعی پیچیده و در حال تحول است و کشورهای ذی‌نفعان مختلف منافع و اولویت‌های خود را دارند.**

در این‌جا چند نکته وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد؛ ترکیه یکی از اعضای ناتو است و یک بازیگر کلیدی در ترویج و حمایت از کریدور زنگزور، به ویژه در مشارکت با آذربایجان بوده است.

در حالی که ناتو به عنوان یک کل موضع رسمی در مورد کریدور اتخاذ نکرده است، برخی از کشورهای عضو از این پروژه حمایت کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر بی‌طرف مانده‌اند یا با آن مخالفت نموده‌اند، کریدور زنگزور تنها یکی از جنبه‌های پویایی ژئوپلیتیک گسترده‌تر در منطقه است، و از جمله تنش‌ها بین ترکیه و ارمنستان، و بین آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ کوهستانی است در نهایت، همگرایی با

می‌توان استدلال کرد نقش ترکیه در تداوم بحران قره باغ مبتنی بر منافع و سیاست‌های خود می‌باشد، گفتن بعضی موارد به‌طور قطعی دشوار است، زیرا موضوع کریدور زنگزور موضوعی پیچیده و در حال تحول است و کشورهای ذی‌نفعان مختلف منافع و اولویت‌های خود را دارند. در این‌جا چند نکته وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد، ترکیه یکی از اعضای ناتو است و یک بازیگر کلیدی در ترویج و حمایت از کریدور زنگزور، به ویژه در مشارکت با آذربایجان بوده است.

آنها می‌باشد. بر این اساس فدراسیون روسیه و ترکیه هر دو دارای منافع استراتژیک در منطقه قفقاز جنوبی هستند. روسیه قصد دارد نفوذ خود را حفظ کند و از گسترش نفوادهای غربی مانند ناتو جلوگیری نماید، در حالی که ترکیه به دنبال تقویت روابط خود با آذربایجان و افزایش قدرت منطقه‌ای خود است.

ایین موضوع در ضمن روابط جمهوری‌های مذکور جنبه‌های متفاوتی پیدا نموده است. بحران قره باغ خواسته با ناخواسته بسیاری از کشورها منطقه را درگیر خود کرده است.

این مناقشه یکی از اولین و طولانی‌ترین جنگ‌های قومی در اتحاد جماهیر شوروی سابق محسوب می‌شود و شروع آن به این دوره و حتی پیش از آن بر می‌گردد و مناقشه ارضی دیرینه بر سر منطقه قره باغ کوهستانی است. این درگیری ریشه در اوایل قرن بیستم دارد و تحت تأثیر عوامل تاریخی، قومی و سیاسی شکل گرفته است.

منطقه قره باغ کوهستانی عمدتاً دارای جمعیت ارمنه است، اما در سطح بین‌المللی به عنوان بخشی از آذربایجان شناخته می‌شود. این درگیری در سال ۹۸۸ میلادی هنگامی که جمعیت ارمنی محلی به دنبال اتحاد با ارمنستان بودند، آغاز و منجر به جنگ بین دو کشور شد که تا زمان آتش‌بس روسیه در سال ۱۹۹۴ ادامه یافت. این مناقشه با وقوع دوره‌ای خشونت و درگیری در طول خط تماس دو طرف، حل نشده باقی مانده است. در سال ۲۰۲۰، جنگی تمام عیار بین ارمنستان و آذربایجان در گرفت که کوهستانی در دوران اخیر شاهد تحولات و تغییرات قابل توجهی بوده است.

جنگ با توافق آتش‌بس در نوامبر همین سال به پایان رسید که باعث شد آذربایجان کنترل بخش قابل توجهی از منطقه از جمله شهر شوشا را دوباره به دست بگیرد. منازعه بر سر قره باغ کوهستانی در دوران اخیر شاهد تحولات و تغییرات قابل توجهی بوده است.

پس از یک حمله نظامی کوتاه اما شدید توسط آذربایجان در سپتامبر ۲۰۲۳ مبارزان ارمنی در قره باغ کوهستانی موافقت کردند که سلاح‌های خود را زمین بگذارند و کنترل منطقه را به آذربایجان تسلیم کنند.

این یک تغییر عمده در دگر‌ی‌های چند دهه‌ای بود، با فرار ده‌ها هزار نفر از ارمنی‌های قومی از منطقه و انحلال جمهوری خود ارمنی‌شده آرتساخ از اول ژانویه ۲۰۲۴میلادی قره باغ کوهستانی به عنوان یک منطقه خودمختار متوقف شد و نهاده‌ا و سازمان‌های آن منحل شدند و آذربایجان کنترل منطقه را در دست گرفته است.

مناقشه قره باغ کوهستانی پیامدهای انسانی شدیدی داشته است و هزاران نفر کشته و تعداد زیادی آواره شده‌اند. همچنین قدرت‌های بین‌المللی مانند روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه را درگیر کرده است و پیچیدگی ژئوپلیتیکی را اضافه نموده است. جامعه بین‌المللی، از جمله گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در تلاش‌های

شوروی، تفکر و رویکرد ژئوپلیتیکی این کشور را به سیاست خارجی شکل داده است

سوم- امنیت ملی؛ تصور روسیه از تهدیدهایی که امنیت مللی خود را تهدید می‌کند، مانند گسترش ناتو و نفوذ غرب در همسایگی خود، بر تصمیمات سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارد.

چهارم- حوزه‌های نفوذ؛ روسیه به دنبال حفظ نفوذ خود در جمهوری‌های شوروی سابق و جلوگیری از نفوذ سایر قدرت‌ها به ویژه غرب در منطقه است و امنیت انرژی، جایگاه روسیه به عنوان یک تولیدکننده و صادرکننده بزرگ انرژی، سیاست خارجی آن را به ویژه در رابطه با روابط آن با کشورهای مصرف‌کننده انرژی در اروپا و آسیا شکل داده است و سرانجام، موقعیت جغرافیایی، قلمرو وسیع روسیه، مرز با چین و دسترسی به قطب شمال نیز بر سیاست خارجی آن تأثیر گذاشته است.

در نهایت جنگ کریدورها، مفهومی جذاب و در حال تحول در چارچوب نظم جهانی نوظهور و ارتباط معناداری با تعارض سیاسی خارجی روسیه و ترکیه در قبال بحران روابط جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان دارد. با این وصف حاکمان جمهوری آذربایجان با تأسی و پسنشیبانی از کشور ترکیه و سایر دولت‌ها به ویژه رژیم صهیونیستی بر ادامه و اجرای این بود و بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته است، همچنان که گفته شد کشور ترکیه قلمرو خود آغاز کرده و آنها را به عنوان بخشی از اجرای به اصطلاح دالان زنگزور معرفی می‌کند و تهدید کرده است که اگر جمهوری ارمنستان آن

ظهور مراکز قدرت جدید، مانند چین و هند، پویایی‌های متفاوتی را در جنگ کریدورها، در قفقاز جنوبی به حرکت در می‌آورد، زیرا آنها به دنبال ایجاد و کنترل مسیرهای جدیدی هستند که بتوانند نفوذ و رشد اقتصادی آنها را افزایش دهد. این موضوع فقط به خاطر رقابت نیست، بلکه همکاری و هماهنگی بین کشورها برای ایجاد و حفظ زیرساخت‌هایی است که می‌تواند برای کل منطقه مفید باشد.

را نخواهد. آذربایجان با توسل به قدرت نظامی در مورد آن تصمیم می‌گیرد. تسادوم بحران کریدورهای آذربایجان برای ارائه مباحث مطرح شده، مذاکرات سه جانبه در سال ۲۰۲۱ میلادی می‌باشد، در این مذاکرات جمهوری ارمنستان تمایل خود را برای مشارکت در بازسازی خطوط راه آهن دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق که از لحاظ تاریخی آذربایجان و نخجوان را به هم متصل می‌کرد ابراز کرد، که تازیتیت کالا و خدمات و مسافر از مسیر دالان زنگزور موجب افزایش استقلال استراتژیک ترکیه می‌شود.

پسوسته بر نیاز به ثبات منطقه تأکید کرده و خواستار حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره باغ کوهستانی از طریق گفت‌وگو و مذاکره شده است. این موارد بر تضاد با همگرایی سیاست‌های دو کشور ترکیه و فدراسیون روسیه تاثیر می‌گذارد. برخی از این موارد به شرح زیر است:

۱) ثبات منطقه‌ای؛ جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران روابط آذربایجان و ارمنستان به ویژه در مورد مناقشه قره باغ تحت تأثیر عوامل متعددی بوده است. این موارد بر تضاد با همگرایی سیاست‌های دو کشور ترکیه و فدراسیون روسیه تاثیر می‌گذارد. برخی از این موارد به شرح زیر است:

۱) ثبات منطقه‌ای؛ جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران روابط آذربایجان و ارمنستان به ویژه در مورد مناقشه قره باغ تحت تأثیر عوامل متعددی بوده است.

۲) روابط خوب با هر دو جمهوری؛ جمهوری اسلامی ایران به دنبال حفظ روابط خوب با ارمنستان و آذربایجان بوده و از حق حاکمیت ارضی آذربایجان حمایت، اما ازجانبداری در مناقشه اجتناب کرده است.

۳) نگرانی از دخالت خارجی؛ ایران نسبت به دخالت بازیگران منطقه‌ای مانند کشورهای غربی در مناقشه ابراز نگرانی کرده و بر لزوم حل مشکلات کشورهای منطقه بدون دخالت خارجی تأکید نموده است.

۴) منافع اقتصادی؛ ایران دارای منافع اقتصادی در منطقه بوده و به دنبال گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی با ارمنستان و آذربایجان می‌باشد.

۵) نگرانی در مورد اثرات سرریز؛ ایران از اثرات سرریز احتمالی درگیری مانند جریان

همچنین این کریدور خارج از کنترل جمهوری ارمنستان، دسترسی بدون مانع ترکیه به آسیای مرکزی را که آرزوی دیرینه این کشور بوده است برایش فراهم می‌کند. از این نظر ترکیه، همواره با تم عملیات روانی خواستار ایجاد یک کریدور ریلی و جاده‌ای پیوسته و در اسرع وقت از طریق خاک جمهوری ارمنستان شده است.

همچنین این کریدور خارج از کنترل جمهوری ارمنستان، دسترسی بدون مانع ترکیه به آسیای مرکزی را که آرزوی دیرینه این کشور بوده است برایش فراهم می‌کند. از این نظر ترکیه، همواره با تم عملیات روانی خواستار ایجاد یک کریدور ریلی و جاده‌ای پیوسته و در اسرع وقت از طریق خاک جمهوری ارمنستان شده است.

بنابراین پایداری یا سقوط منطقه سیونیک جنوبی ارمنستان، نشان‌دهنده ثبات یا به خطر افتادن نظم مبتنی بر قوانین جهانی است. کریدورهای فرانس‌رزمینی، چه کریدور زنگزور مورد نظر آذربایجان و چه کریدور زاپوریزبای مورد نظر روسیه، هنجار جهانی مخالفت با اشغال را تضعیف کرده و حاکمیت سرزمینی را از بین می‌برد. عملیات نظامی محدود و الحاق جزئی، در سرتاسر جهان در حال افزایش است و همچنان که گفته شد شرایط را برای تشدید تنش و تبدیل شدن به جنگ‌های تمام عیار کریدور زنگزور، به ویژه در مشارکت با آذربایجان بوده است.

در حالی که ناتو به عنوان یک کل موضع رسمی در مورد کریدور اتخاذ نکرده است، برخی از کشورهای عضو از این پروژه حمایت کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر بی‌طرف مانده‌اند یا با آن مخالفت نموده‌اند، کریدور زنگزور تنها یکی از جنبه‌های پویایی ژئوپلیتیک گسترده‌تر در منطقه است، و از جمله تنش‌ها بین ترکیه و ارمنستان، و بین آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ کوهستانی است در نهایت، همگرایی با

می‌توان استدلال کرد نقش ترکیه در تداوم بحران قره باغ مبتنی بر منافع و سیاست‌های خود می‌باشد، گفتن بعضی موارد به‌طور قطعی دشوار است، زیرا موضوع کریدور زنگزور موضوعی پیچیده و در حال تحول است و کشورهای ذی‌نفعان مختلف منافع و اولویت‌های خود را دارند. در این‌جا چند نکته وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد، ترکیه یکی از اعضای ناتو است و یک بازیگر کلیدی در ترویج و حمایت از کریدور زنگزور، به ویژه در مشارکت با آذربایجان بوده است.

در حالی که ناتو به عنوان یک کل موضع رسمی در مورد کریدور اتخاذ نکرده است، برخی از کشورهای عضو از این پروژه حمایت کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر بی‌طرف مانده‌اند یا با آن مخالفت نموده‌اند، کریدور زنگزور تنها یکی از جنبه‌های پویایی ژئوپلیتیک گسترده‌تر در منطقه است، و از جمله تنش‌ها بین ترکیه و ارمنستان، و بین آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ کوهستانی است در نهایت، همگرایی با

می‌تواند پیامدهای مهمی برای تجارت جهانی، حمل‌ونقل و ارتباطات، و همچنین برای چشم‌انداز ژئوپلیتیکی به‌طور گسترده داشته باشد.

برخی از جنبه‌های بالقوه نظم نوظهور در این راستا می‌تواند شامل مواردی از این دست باشد: همچنان که گفته شد ظهور بازیگران جدید مانند چین و هند به عنوان سرمایه‌گذاران اصلی و توسعه‌دهندگان کریدورها می‌تواند توازن قدرت را در مناطق کلیدی تغییر دهند، همچنین تکامل اتحادها و مشارکت‌های جدید ممکن است حول توسعه و کنترل کریدورها شکل بگیرند یا اتحادها و راه‌های مواصلاتی موجود آزمایش یا مختل شوند و اینکه اشکال جدید همکاری و رقابت به وجود آید، توسعه کریدورها ممکن است به اشکال جدیدی از همکاری بین کشورها و همچنین اشکال جدید رقابت بر سر کنترل مسیرهای استراتژیک نیاز داشته باشد.

سرانجام، نوآوری فن‌آوری و پیشرفت در فناوری، مانند زیرساخت‌های دیجیتال و منابع انرژی جایگزین، ممکن است توسعه و بهره‌برداری از کریدورها را به روش‌های جدید ختم نماید، با این وجود به احتمال ترکیه با

ارائه دسترسی لجستیکی گسترده به ایران از طریق ارمنستان و همچنین آذربایجان تلاش کند موافقت ایران را هم جلب نماید.

این مفهوم که تعبیر دیگری از کریدور زنگزور می‌باشد، با مشارکت انگلیس در جغرافیای سیاسی این منطقه دارای معنای و کاربرد قوم‌گرایی است. بر این اساس دالان تورانی، ایدئولوژی‌ای است که وحدت فرهنگی

و سیاسی اقوام ترک در سراسر اوراسیا را ترویج می‌کند. این ایدئولوژی توسط برخی گروه‌ها در ترکیه، آسیای مرکزی و نقاط دیگر ترویج شده است. این همان چیزی است که از آن با عنوان طرح توران بزرگ، نیز یاد می‌کنند، در چنین شرایطی دسته‌های از محققین از دالان تورانی به ایدئولوژی تورانی تعبیر می‌کنند و مدعی آن هستند که نقش چندانی در تحولات قره باغ ندارد. ایدئولوژی تورانیسم با وجود داشتن برخی از حامیان در منطقه، عامل اصلی تحولات اخیر قفقاز و بحران قره باغ به حساب نمی‌آید. مناقشه قره باغ کوهستانی موضوعی با سابقه طولانی است که ریشه در مناقشات ارضی، تنش‌های قومی و رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های منطقه‌ای مانند روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران دارد.

تحولات اخیر و روند حل و فصل مسالمت‌آمیز عمدتاً توسط ترکیبی از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به جای عوامل ایدئولوژیک مانند تورانیسم هدایت می‌شود.

در تحلیل این قضایا نباید ایده عثمانی‌گری ترکیه را نادیده گرفت، این کشور در سال‌های اخیر شاخص‌هایی از رویکرد نئو عثمانی‌گری را نشان داده است. نئو عثمانی‌گرایی گرایشی است که در سال‌های اخیر در شکل‌گیری سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است.

برخی از ویژگی‌های کلیدی نئو عثمانی‌گرایی ترکیه شامل تعامل منطقه‌ای، اشاره‌ها و روابط تاریخی، هویت اسلامی و قدرت نرم می‌باشد، این شاخص‌ها نشان می‌دهند که سیاست خارجی ترکیه عناصری از رویکرد نئو عثمانی را در خود گنجانده است و به دنبال گسترش نفوذ و تثبیت

صفحه ۸

چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۳

۲۸ ربيع‌الاول ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۸۴

۲۳۶۸۴

رهبری خود در مناطق است که زمانی بخشی از امپراتوری عثمانی بودند.

ترکیه در رویکرد خود به مناقشه آذربایجان و ارمنستان از عناصر نئو عثمانی برای پیشبرد منافع استراتژیک و گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده و حمایت از آذربایجان را به منظور رهبری منطقه‌ای، منافع انرژی و توانایی در شکل دادن به رویدادهای جدیدمنطقه‌ای

نشان می‌دهد. بر این پایه کریدورها برای تجارت بین‌المللی و ژئوپلیتیک دو کشور اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کنند، با ظهور مسیرهای جدیدی و تقویت یا رقابت مسیرهای موجود رقابت بر سر کریدورها فقط در مورد زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه در مورد پیامدهای سیاسی، اقتصادی و استراتژیک این مسیرها برای کشورها و مناطق درگیر در بحران قره باغ است.

در چنین شرایطی ظهور مراکز قدرت جدید، مانند چین و هند، پویایی‌های متفاوتی را درجنگ کریدورها، در قفقاز جنوبی به حرکت درمی‌آورد. زیرا آنها به دنبال ایجاد و کنترل مسیرهای جدیدی هستند که بتوانند نفوذ و رشد اقتصادی آنها را افزایش دهد. این موضوع فقط به خاطر رقابت نیست، بلکه همکاری و هماهنگی بین کشورها برای ایجاد و حفظ زیرساخت‌هایی است که می‌تواند برای کل منطقه مفید باشد.

به طور کلی، این بحث جنبه مهمی از نظم جهانی در حال ظهور است و در سال‌های آینده به شکل‌گیری روابط بین‌المللی، تجارت و ژئوپلیتیک ادامه خواهد داد و منطقه قفقاز جنوبی نقش حائز اهمیتی در این ارتباط دارد.

در چارچوب کریدورهای ژئوپلیتیکی، نظم نوظهور، به پویایی و روابط قدرت در حال تحول اشاره دارد که با توسعه و بهره‌برداری از این مسیرهای استراتژیک شکل می‌گیرد. ظهور کریدورهای جدید، یا اختلال در مسیرهای ارتباطی موجود، می‌تواند پیامدهای مهمی برای تجارت جهانی، حمل‌ونقل و ارتباطات و همچنین برای چشم‌انداز ژئوپلیتیکی به‌طور گسترده داشته باشد.

برخی از جنبه‌های بالقوه نظم نوظهور در این راستا می‌تواند شامل مواردی از این دست باشد: همچنان که گفته شد ظهور بازیگران جدید مانند چین و هند به عنوان سرمایه‌گذاران اصلی و توسعه‌دهندگان کریدورها می‌تواند توازن قدرت را در مناطق کلیدی تغییر دهند، همچنین تکامل اتحادها و مشارکت‌های جدید ممکن است حول توسعه و کنترل کریدورها شکل بگیرند یا اتحادها و راه‌های مواصلاتی موجود آزمایش یا مختل شوند و اینکه اشکال جدید همکاری و رقابت به وجود آید، توسعه کریدورها ممکن است به اشکال جدیدی از همکاری بین کشورها و همچنین اشکال جدید رقابت بر سر کنترل مسیرهای استراتژیک نیاز داشته باشد.

سرانجام، نوآوری فن‌آوری و پیشرفت در فناوری، مانند زیرساخت‌های دیجیتال و منابع انرژی جایگزین، ممکن است توسعه و بهره‌برداری از کریدورها را به روش‌های جدید ختم نماید، با این وجود به احتمال ترکیه با

ارائه دسترسی لجستیکی گسترده به ایران از طریق ارمنستان و همچنین آذربایجان تلاش کند موافقت ایران را هم جلب نماید.

این مفهوم که تعبیر دیگری از کریدور زنگزور می‌باشد، با مشارکت انگلیس در جغرافیای سیاسی این منطقه دارای معنای و کاربرد قوم‌گرایی است. بر این اساس دالان تورانی، ایدئولوژی‌ای است که وحدت فرهنگی

و سیاسی اقوام ترک در سراسر اوراسیا را ترویج می‌کند. این ایدئولوژی توسط برخی گروه‌ها در ترکیه، آسیای مرکزی و نقاط دیگر ترویج شده است. این همان چیزی است که از آن با عنوان طرح توران بزرگ، نیز یاد می‌کنند، در چنین شرایطی دسته‌های از محققین از دالان تورانی به ایدئولوژی تورانی تعبیر می‌کنند و مدعی آن هستند که نقش چندانی در تحولات قره باغ ندارد. ایدئولوژی تورانیسم با وجود داشتن برخی از حامیان در منطقه، عامل اصلی تحولات اخیر قفقاز و بحران قره باغ به حساب نمی‌آید. مناقشه قره باغ کوهستانی موضوعی با سابقه طولانی است که ریشه در مناقشات ارضی، تنش‌های قومی و رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های منطقه‌ای مانند روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران دارد.

تحولات اخیر و روند حل و فصل مسالمت‌آمیز عمدتاً توسط ترکیبی از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به جای عوامل ایدئولوژیک مانند تورانیسم هدایت می‌شود.

در تحلیل این قضایا نباید ایده عثمانی‌گری ترکیه را نادیده گرفت، این کشور در سال‌های اخیر شاخص‌هایی از رویکرد نئو عثمانی‌گری را نشان داده است. نئو عثمانی‌گرایی گرایشی است که در سال‌های اخیر در شکل‌گیری سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است.

برخی از ویژگی‌های کلیدی نئو عثمانی‌گرایی ترکیه شامل تعامل منطقه‌ای، اشاره‌ها و روابط تاریخی، هویت اسلامی و قدرت نرم می‌باشد، این شاخص‌ها نشان می‌دهند که سیاست خارجی ترکیه عناصری از رویکرد نئو عثمانی را در خود گنجانده است و به دنبال گسترش نفوذ و تثبیت

نشان می‌دهد. بر این پایه کریدورها برای تجارت بین‌المللی و ژئوپلیتیک دو کشور اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کنند، با ظهور مسیرهای جدیدی و تقویت یا رقابت مسیرهای موجود رقابت بر سر کریدورها فقط در مورد زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه در مورد پیامدهای سیاسی، اقتصادی و استراتژیک این مسیرها برای کشورها و مناطق درگیر در بحران قره باغ است.

در چنین شرایطی ظهور مراکز قدرت جدید، مانند چین و هند، پویایی‌های متفاوتی را در جنگ کریدورها، در قفقاز جنوبی به حرکت در می‌آورد، زیرا آنها به دنبال ایجاد و کنترل مسیرهای جدیدی هستند که بتوانند نفوذ و رشد اقتصادی آنها را افزایش دهد. این موضوع فقط به خاطر رقابت نیست، بلکه همکاری و هماهنگی بین کشورها برای ایجاد و حفظ زیرساخت‌هایی است که می‌تواند برای کل منطقه مفید باشد.